

کتاب «ایام محبس»<sup>۱۲</sup> تألیف علی دشتی، برای نخستین بار در سال ۱۳۰۰ش انتشار یافت. این کتاب در ابتدا در پاورقی روزنامه شفق سرخ درج می‌گردید و پس از آن به طور مستقل به طبع رسید؛ با نایاب شدن کتاب در سال ۱۳۱۳ش. توسط رکن زاده آدمیت تجدید چاپ شد. سپس در سال ۱۳۱۷ش. تصمیم به چاپ مجدد گرفته شد. چون در این برهه انتشار کتابها منوط به اجازه وزارت فرهنگ و دخل و تصرف و سانسور می‌شده، از تجدید چاپ آن صرف نظر شد تا این که وقایع شهریور ۱۳۲۰ش. پیش آمد و با فراهم شدن فضای باز سیاسی بار دیگر تعدادی از ناشرین تصمیم به چاپ این اثر گرفتند. ولی چون یادداشتهای دیگری از سالهای ۱۳۱۵-۱۳۱۴ش. - یعنی چهارده ماهی که دشتی در روزهای پایانی دوره نهم تقنینیه برای بار سوم توقیف یا تحت نظر بودند - موجود بود که می‌بایست به عنوان قسمت سوم به ایام محبس اضافه شود ولی میسر نشده، از این رو چاپ کتاب صورت نگرفت تا اینکه در چاپ سوم، مشفق همدانی با به دست آوردن یادداشتهای پراکنده‌ای از سومین دوره حبس دشتی، کتاب ایام محبس را به چاپ رساند. ۲. خود او در مقدمه کتاب [چاپ چهارم - آذر ماه ۱۳۲۷ش.] می‌نویسد:

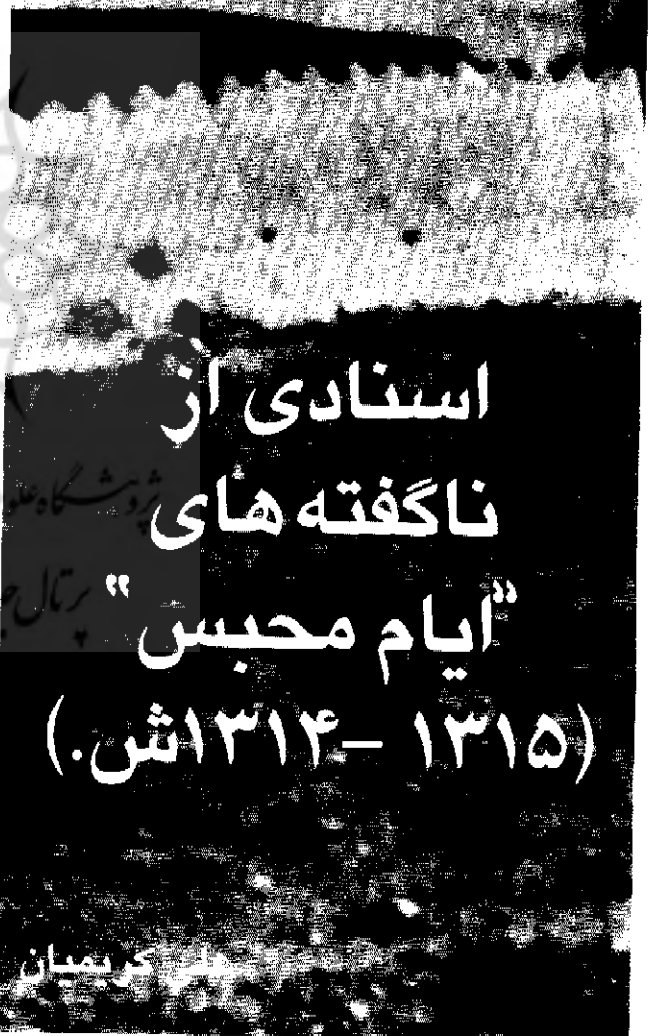
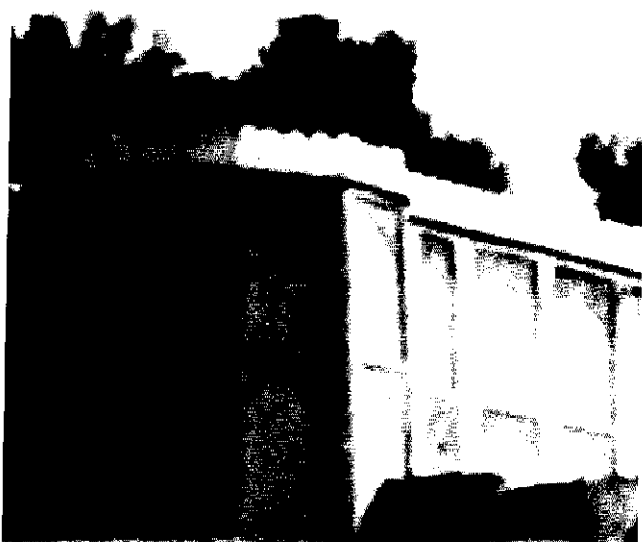
«به محض بازگشت ایشان از اروپا اجازه چاپ دوم فتنه ۳ و وعده تنفیج یادداشتهای دوره توقیف سوم را از ایشان گرفته و می‌توانم مدعی شوم که اگر اصرار و یادآوری مستمر من و عواطفی که ایشان نسبت به من دارند نبود، با گرفتاریهای مختلف و روح سهل‌انگاری ایشان هرگز این یادداشتهای حاضر نمی‌شد. اکنون هم که حاضر شده است البته بطور کامل نیست، زیرا متأسفانه این یادداشتهای به یک حال زار، روی ورقهای مختلف و گوناگون نوشته شده و طوری درهم ریخته، نامنظم و ژولیده و مشوش بود که مقداری از آنها گم شده، بعضی قطعه‌ها قسمت اولش موجود ولی قسمت دوم مفقود یا صفحه اول یادداشت دیگر اصلاً معلوم نیست کجاست... ولی من خیلی خوشوقتم که بالاخره توانستم آن اندازه که ممکن است این یادداشتهای را ضمیمه طبع سوم ایام محبس کنم...»<sup>۴</sup>

از آنجایی که درباره سومین دوره محبس و بازداشت علی دشتی به اسناد نویافته‌ای دست یافتیم، تصمیم گرفتم که این اسناد را به عنوان تکمله و یا ناگفته‌هایی از کتاب ایام محبس به این مجموعه اضافه نمایم. امید است که گامی در رسیدن به نکات مبهم تاریخ معاصر ایران برداشته باشیم.

هنوز دو روز به انقضای دوره نهم مجلس شورای ملی مانده بود که علی دشتی برای بار سوم بازداشت و زندانی شد. منتقدان و شماری از آگاهان به مسائل آن عصر و بعد از آن در مورد مغضوب، بازداشت و زندانی شدن وی عوامل مختلفی را برمی‌شمارند از جمله: مؤلف کتاب دسیسه‌های علی دشتی می‌نویسد:

«... آنچه معروف است و در موقع توقیف دشتی از چند منبع شنیده شد، علت بازداشت او، قصور در خدماتی بوده است که به عنوان عضو آگاهی برعهده داشته است.

توضیح آن که بسیاری از اطرافیان رضاخان، جاسوسان مخفی شهربانی مختار بودند. اما به علت نداشتن مدرک قاطع نمی‌توانیم در باب این شهرتها اظهار نظر کنیم و برای کشف حقیقت باید منتظر روزی شویم که در ایران حکومت ملی مستقر گردد و برده از دستگاه جنایتکار رضاخانی برداشته شود و



# اسنادی از ناگفته‌های «ایام محبس» (۱۳۱۵ - ۱۳۱۴ش.)

علی دشتی

اسرار این دستگاه فاش گردد... ۶

مشفق همدانی در مقدمه قسمت سوم کتاب ایام مجلس (تحت نظر) در این مورد می نویسد:

در تاریخ ۲۲ فروردین ۱۳۱۴ یعنی فردای دوره نهم تقنینیه بدون کمترین دلیل و مقدمه‌ای آقای دشتی (به اتفاق آقایان تجدد، رهنما و دبیر اعظم) توقیف شدند... ۷

مهدیقلی هدایت (مخبر السلطنه) در کتاب خاطرات و خطرات می نویسد: "رهنما و تجدد برادرش، بهرامی رئیس اسبق دفتر مخصوص و دشتی به عللی که نمی دانم توقیف بودند" ۸

دکتر باقر عاقلی در کتاب ذکاء الملک فروغی و شهرپور ۳۲۰ش می نویسد: "علی دشتی همواره مدافع لوائح دولت و وزیران مبعوث رضاشاه بود و سنگ دیکتاتوری را بر سینه می کوفت، در سال ۱۳۱۴ با مختصر انتقادی از دولت تمام خدماتش به دستگاه فراموش، ۹ امتیاز روزنامه اش لغو و از او سلب مصونیت شد و به زندان افتاد... ۱۰"

و ابراهیم صفایی در کتاب چهل خاطره از چهل سال آورده است:

"پس از پایان دوره نهم مجلس شورای ملی (همزمان با تبعید رهنما و تجدد از ایران، دشتی نیز در اردیبهشت ۱۳۱۴) به یک اتهام سیاسی چند ماه در شهربانی بازداشت ... بود" ۱۲

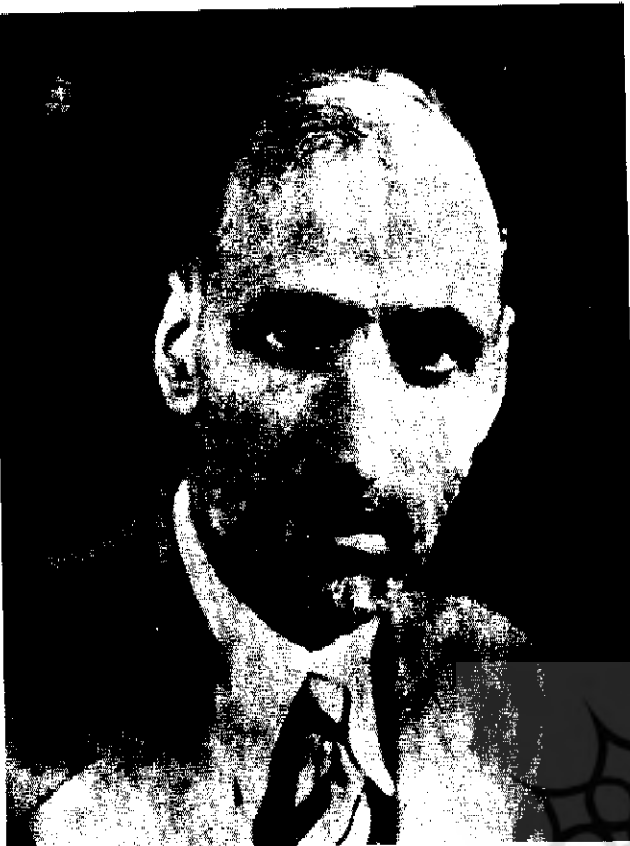
ولی به نظر، آنچه قریب به یقین است با کناره گیری دشتی از کار روزنامه نویسی، شاید جلوی قلم تند و هتاک او گرفته می شد، اما دشتی نمی توانست جلوی زبان نیش دار خودش را بگیرد. ۱۳ او گاه و بیگاه در مجالس خصوصی و در میان دوستان نزدیک خود، مختصر انتقادهایی از کار رضاشاه می کرد. گزارشهای بی درپی باشاخ و برگ از زبان درازی دشتی به شاه می رسید. او نیز روز به روز خشمش نسبت به دشتی زیاد می شد و همانطور که گفته شده ۱۴ سپس مورد غضب قرار گرفته، خدماتش به دستگاه فراموش، امتیاز روزنامه اش لغو و از او سلب مصونیت شد و در ۲۲ فروردین ۱۳۱۴ (دو روز قبل از انقضای مجلس نهم) رضاشاه دستور بازداشت وی و عده‌ای دیگر را صادر کرد.

دشتی بعدها، در مجلس سیزدهم علت دستگیری خود را "کمتر تعلق گفتن" و تعریف نکردن در اجلاس کنفرانس بین المجالس در استانبول ذکر کرد.

مجلس دوره نهم روز ۲۲ فروردین تمام شد. روز ۲۳ مرا گرفتند و بردند توی حبس. من یک نفر وکیل مردم نه خیانت کرده بودم، نه جرم کرده بودم، چه تقصیری کرده بودم؟ برای این بود که کمتر تعلق گفته بودم. برای این بود که متوقع بودند در موقعی که من به کنفرانس (Inter Parlementaire) اینتر پارلمانتار [بین المجالس] رفته بودم به اسلامبول و در آنجا همه ملل از خطر جنگ و اوضاع دنیا وحشت داشتند، چرا من آنجا تعریف رضاشاه نکردم. ملاحظه می فرمایید. آن وقت من باید بروم محبس... ۱۶

اما در نهایت خود دشتی در ابتدا بدون آنکه علت و علل زندانی شدنش را عنوان نماید، در یادداشت‌های خود به تاریخ ۱۹ خرداد ماه ۱۳۱۴ش، در کتاب ایام محبس در این باره می نویسد:

"من که خوب می دانستم مدت اقامتم در زندان قصر پنجاه و نه روز بیشتر طول نکشیده است برای اینکه تمام دقیقه‌های سنگین



و بطنی آن را شمرده بودم و باز از آن سرهنگی که مرا به شهربانی می برد که آزادی دهد پرسیدم: چند روزیست؟ ... زیرا این روزها آزادی طوری در تاریکی گذشته‌های دور پرت و ناپدید شده بود که آدم خیال می کرد قرنیه گذشته است. بر روی شانه‌های خسته خود فشار پنجاه سال زندگانی را احساس می کردم، پنجاه و نه روز زجر، زجر روحی، پنجاه و نه روز تحمل ناملایم و زبری، پنجاه و نه روز چشیدن و مضمضه کردن تلخی کینه و خشم، پنجاه و نه روز تحمل یک روح معذب، یک روح پشیمان، روحی که از خود و از تمام کائنات متنفر و مشمنز شده است. پنجاه و نه روز نگرانی و قلق مواجه با مجهول، با تاریکی عواطف کینه‌آمیز یک شخص مرموز، یک پادشاه رادعی در مقابل اراده خود او را ظالم و قسی و حتی هوستاک و سادیک کرده است.

در شهربانی نوید آزادی نبود، شاه از خطای مرتکب نشده هم اغماض نمی کند. معلوم شد کسان دیگران توسل و تشبث کرده‌اند، یکی از بزرگان ۱۷ به دامن کرم و بخشایش شاه دست شفاعت زده است و اینک شاه بخشیده است. گناه مرتکب نشده را بخشیده و زندان قصر را به توقیف در بیمارستان و نفی بلد و تبعید مبدل فرموده‌اند... ۱۸

به هر حال دشتی در ساعت ۱۰ روز ۲۲ فروردین ۱۳۱۴ تحویل محبس قصر گردید و حسب الامر رضاشاه فرج الله بهرامی (دبیر اعظم)، زین العابدین رهنما و برادرش میرزا رضا تجدد متهمین سیاسی را جداگانه بازداشت و دستور داد تا اطلاع ثانوی آنان جداگانه توقیف و بایکدیگر واحدی حق ملاقات و پیغام به

حسین مکی در کتاب تاریخ بیست ساله ایران جلد پنجم از فرج الله بهرامی درباره زندان دشتی چنین یادآور می‌شود:

"دبیر اعظم می‌گفت بد نبود. او در کریدر چهار زندگی می‌کرد زندانیان از مساعدتهایی که خواسته بود به آنها بکنند خوششان نیامده بود. علی دشتی را هیچکس اهمیت نمی‌داد. بطور کلی رجال دوره دیکتاتوری میان زندانیان عادی هم مورد توجه واقع نمی‌شدند. برعکس بعضی‌ها اگر از دستشان می‌آمد توهین و بدگویی هم در حقشان روا می‌داشتند."<sup>۲۰</sup>

دشتی قبل از اینکه بازداشت شود، ناراحتی معده و سوء هاضمه داشت که با افتادن به حبس، بیماری وی شدت گرفت. از این رو نظر به کسالتی که داشت در تاریخ ۴ خرداد ۱۳۱۴ ش، عریضه‌ای به ریاست تشکیلات نظمیه نوشت و تقاضا کرد:

- ۱- به واسطه ابتلا به سوء هاضمه و غیره اجازه داده شود طیب معالج (دکتر بالایان) ۲۱ از خارج بیایند و او را معالجه نمایند.
- ۲- به واسطه نداشتن شخصی برای رسیدگی و تنظیم امورات خود اجازه داده شود یکی از کسان مشارالیه گاهی به ملاقات او بیاید.
- ۳- اجازه داده شود عریضه برای تقدیم به رضاشاه ارسال دارد که میسر نگردد.

با این حال بیماری دشتی در محبس عود کرد و حتی سهرابی استنطق آکه در هفتم خرداد ماه می‌خواست از وی استنطاق نماید، به واسطه عارضه کسالت و عصبانیت نتوانستند تحقیق (بازجویی) بدهند.

سپس کسالت دشتی شدت گرفت به طوری که در روز نهم خرداد به دوستان ۲۲ مبتلا و تحت مراقبت و معالجه قرار گرفت. چون معالجه وی در صحبه محبس (در مانگاه زندان) موثر واقع نگردد، حسب الامر تلفنی رضاشاه، تحت نظر و مراقبت مامورین اداره تأمینات به مریضخانه نجمیه ۱۲۳ اعزام و توسط تعدادی از پزشکان مورد معاینه و آزمایشات پزشکی قرار گرفت و طبق پیشنهاد پزشکان معالج، دستور به بستری و ادامه درمان وی داده شد. سپس در ۱۳ تیر ۱۳۱۴ ش، معاون صحبه نظمیه از مشارالیه در مریضخانه نامبرده عیادت و با موافقت دشتی مجدداً دستور به ادامه معالجه وی داده شد.

به دنبال بستری شدن دشتی، منزلش نیز توسط شعبه اول اداره تأمینات مورد تفتیش قرار گرفت و در ۳ تیر ۱۳۱۴ راپورت (گزارش) ذیل به تشکیلات نظمیه داده شد:

"... راجع به نوشتجات علی دشتی اشعار می‌دارد طبق راپورت شعبه اول، نوشتجاتی که مامورین از منزلش بدست آورده‌اند، تماماً با حضور پرویزخان برادر مشارالیه رسیدگی نموده و آنچه مورد لزوم بود، ظهر آن را امضا و به دوسیه ضمیمه گردید. بقیه تماماً مهجور و لاک شده توسط اداره محترم به خود او تسلیم شده است."

دشتی در ۱۹ مرداد ماه از مریضخانه نامه‌ای به شاه نوشت و تقاضای عفو و بخشش کرد.  
متن نامه:

"وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه، سواد عرضحال دشتی به پیشگاه اعلیحضرت همایونی، مورخه ۱۹ مرداد ۱۳۱۴ [ش].  
به پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی - با احاطه و اطلاعی که

اعلیحضرت همایونی به سوابق و معنویات و با نفوذی که به کلیه افکار بندگان خود دارند، غلام خلاف ادب می‌دانم که در تیرنه خود کلمه‌ای عرض و به خاکپای مبارک ثابت نمایم که هیچ وقت خیال تخلف و قصوری ایمانم را متزلزل نساخته است. از طرف دیگر چون تمام اعمال شاهنشاه را مبنی بر حکمت و دلیل می‌دانم ناچارم تصور کنم بدون اراده و از راه غفلت قصوری از غلام سر زده است که مورد بی‌رحمتی ذات همایونی شده‌ام. ولی دو مطلب را شاید امور خطیره مملکت‌داری از خاطر همایون محو کرده باشد که غلام جسارت کرده آنها را به خاکپای مبارک عرض می‌دارم:

اول - اینکه ذات شاهنشاه وجود کامل و سایرین همه ناقص - نسبت به افکار وسیع و محیط آن وجود کامل همه افراد قاصر و بیچاره‌اند و اگر خطایی مرتکب شوند به واسطه این است که فهم وظیفه خود قاصرند. اگر اعلیحضرت همایونی بخواهند هرکس در حدود خود مطابق اراده و نیت بینه ایشان رفتار کنند همه افراد در هر طبقه‌ای باشند، مقصر و مصدق شعر مشهور خواهد شد که:

میخوران را شه اگر بخواهد برادر زند

گذر عارف و عامی همه بر دار افتد

دوم - اینکه همیشه در میان مالکات بزرگ ذات همایونی فضیلت عفو و رأفت به طوری می‌درخشیده است که حتی اشخاص مغرض و آلوده هم از فروغ آن بهره‌مند شده بودند - اما اگر کسی که تاکنون جز در آستان اعلیحضرت دری را نساخته - کسی که هستی و ترقی و عزت خود را مرهون مرحام اعلیحضرت شاهنشاهی دانسته - کسی که قلم و زبان و فکرش جز به ستایش آن سرو عظیم‌الشأن به کار نیفتاده، بخواهد ز نور عفو و رأفت شاهنشاهی زندگی تاریک خود را روشن کند گرم نفس و علو همت همایونی از او دریغ خواهد فرمود. غلام چون بزرگی روح اعلیحضرت شاهنشاهی را می‌شناسم خیلی بیش از اینها امیدوارم و همین امیدواری است که به غلام جسارت می‌دهد که از خاکپای مبارک استدعا کنم از ردیف بندگان صدیق خارجم نفرموده، این سرافرازی و افتخاری که در بندگی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی کسب نموده‌ام از غلام سلب نفرمایند، زیرا این تنها سرمایه ۱۴ سال عمر و جوانیم می‌باشد. بر فرض هم که لایق خدمتگزاریم ندانند ولی اعلیحضرت همایونی باور فرمایند که همیشه و در هر حالی باشم با یک قلب پر از عشق و یک روح پر از ایمان به ستایش مجدد عظمت تاریخی و مشید ارکان ملیت ایران مشغول بوده و بقاء ذات مقدس ایشان را از درگاه خداوند مسئلت می‌نمایم.

هرکس را سرکاری و تمنای کسی است

ما به غیر از تو نداریم تمنای دگر

محل امضا: غلام جانثار علی دشتی سواد مطابق با عین عریضه تقدیمی به خاکپای ملوکانه است. ۱۴/۵/۲۰

[امضا] فرزین"

ولی آقارضاخان سمیعی - کفیل اداره آگاهی - طبق دستور محرمانه‌ای به تاریخ ۲۹ شهریور ماه از اداره زندان خواست برای جلوگیری از مکاتبه و مرآوده علی دشتی در مریضخانه با اشخاص دیگر و مراقبت کامل از او علاوه بر مأمور

# ایام محبس

بقلم :  
علی دشتی

بانتظام

یادداشت‌های جدید نویسنده درباره :  
سومین دوره حبس خود در سالهای  
۱۳۱۴ و ۱۳۱۵

قبلی، مأمور دیگری - بدون لباس فرم - از آن اداره به بیمارستان اعزام دارند. به هر حال به دنبال طولانی شدن دوره درمان و هزینه گزاف مرخصخانه، دشتی تقاضا کرد برای ادامه دوران نقاهت به منزلش انتقال یابد که با موافقت رضاشاه در ساعت چهار و بیست دقیقه روز ۲۴ آبان ماه ۱۳۱۴ ش. به منزلش منتقل و تحت نظر مأمورین اداره آگاهی و سرکلانتری بستری گردید. ۲۴ اما این انتقال آزادی دشتی را محدودتر کرد زیرا منزل وی میدل به زندانی شده بود و هیچکس حق ملاقات با وی را نداشت و او تحت مراقبت دائمی مأمور تامینات از خارج شدن و نامه نوشتن و حتی تلفن کردن ممنوع بود. ۲۵ به هر حال چهار نفر که قبلاً ذکرشان رفت تا تاریخ ۱۹ خرداد ۱۳۱۴ ش. در زندان قصر بسر بردند. سپس رهنما و تجدد به عراق و بهرامی نیز به ملایر تبعید شدند. ۲۶

مهدیقلی هدایت (مخبر السلطنه) در کتاب خاطرات و خطرات درباره وساطتش برای آزادی آنان می نویسد:

رهنما، تجدد برادرش، بهرامی رئیس سابق دفتر مخصوص و دشتی به عللی که نمی دانم توقیف بودند، با رهنما خصوصیتی داشتم چند ماه هم معاون من بود به خیال من رسید توسطی بکنم، در شرفیابی عرض کردم روی سیاه و موی سفید تکلیف می آورد و اشخاص بی انتظاری نیستند. رهنما و دشتی و بهرامی اگر تقصیرشان قابل عفو است استدعای عفو دارند، به عادتش که شاه دارد و راه می رود در خیابانی که بود رفتند و برگشتند و دو سه مرتبه این رفت و آمد واقع شد. آخر فرمودند آنها را بخشیدم بروند به ولایت خودشان، و منظور رهنما و تجدد بود که توطناً عراقیند. بهرامی و دشتی هم نباشند، از تهران بروند، عرض کردم اجازه هست امر ملوکانه را به نظمیه ابلاغ کنم. فرمودند بلی. ابلاغ کردم و امر رسمی هم صادر شد. رهنما و تجدد به عراق رفتند، بهرامی و دشتی به بروجرد و بهبهان، در مورد بهرامی فرمودند نمی کشمش. ۲۷ همانطور که گفته شد علی دشتی در ۲۲ فروردین ۱۳۱۴ ش. به اتهام سیاسی دستگیر و چند ماه در نظمیه و گاهی در مرخصخانه نجمیه یا در منزل بازداشت یا

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سند شماره ۱

وزارت جلیله داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، اداره محبس تهران، نمره محبوس ۴۴۸، اداره.

اسم: شیخ علی خان پدر: عبدالحسین خان خانواده: دشتی  
اعزام شده در ساعت ۲ قبل از ظهر یوم ۱۳۱۴/۷/۲۲ تحویل گردیده است.  
رئیس شعبه [امضا]

در شعبه مخزن با مراجعه به دفتر ضبط اموال محبوسین مشارالیه اشیایی را ندارد و مبلغ هفتاد ریال وجه نقد در صندوق وجوه محبوسین دارد که باید بتدریج پرداخته شود.  
۱۳۱۴/۷/۲۱ [امضا]

سند شماره ۲

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، نمره ۲۶ محرمانه، سواد مراسله شعبه یک تامینات، نمره ۵۵ محرمانه، مورخ ۱۳۱۴/۱/۲۲ ش.

اداره محترم محبس - حسب الامر فرج الله خان بهرامی، زین العابدین رهنما و میرزا رضاخان تجدد و آقامیرزا علی دشتی متهمین سیاسی را جداگانه توقیف و با یکدیگر و احدی حق ملاقات و پیغام به خارج ندارند، تا دستور ثانوی داده شود.  
محل امضا شایگان - بدیعی  
اصل مراسله دوسیه محبوس نمره ۴۵۵ سیاسی (فرج الله بهرامی) ضبط می باشد.  
سواد مطابق با اصل است.

### سند شماره ۳

اداره محبس، نویسنده شیخ علی خان دشتی پسر عبدالحسین خان، مورخ ۱۳۱۴/۳/۴ ش.  
مقام محترم ریاست تشکیلات نظمیه دامت شوکته - بعد از تقدیم احترام فائقه خاطر شریف را مصدع شده و سه استدعای ذیل را تمنا می نمایم:  
۱- قبل از آمدن به محبس به واسطه سوء هاضمه مزمن و ضعف اعصاب علیل و تحت معالجه بوده و البته وقوع این قضیه مزید بر علت شده و به واسطه قطع رژیم و معالجه از یک طرف و تأثر شدید، هاضمه خرابتر و تقریباً منجر به فقرالدم و نوراستنی و بی خوابی و طپش زیاد قلب گردیده، اگر مانعی نباشد اجازه فرمایید اگر بالاین که طبیب معالج بنده بود بیاید و معالجه ای کند.  
۲- کلیه امورات شخصی بنده در خارج به واسطه نداشتن شخصی که طبعاً شایستگی رسیدگی به آنها را داشته باشد، مختل گردید و اگر اجازه فرمایید یکی از کسان بنده گاهی در محبس از بنده ملاقات نماید و البته در حضور مأمور نظمیه دستور انتظام زندگانی از هم گسیخته خود را بدهم.  
۳- البته توقیف بنده بر حسب امر مبارک بندگان اعلیحضرت همایونی روحی فداه بوده است و بنابراین بنده ملجایی جز آستان ایشان نیست و با این مزاج علیل تصور می کنم اگر التجاء نمایم، شاید باعث این شود که مشمول مراتب عفو و مراحم ایشان گردم، لذا خواهشمندم اجازه فرمایید که عرضی ای به خاکپای مبارک ایشان تقدیم نمایم.  
[امضای علی دشتی]

### سند شماره ۴

وزارت داخله، اداره محبس، دایره دفتر، مورخ ۱۳۱۴/۳/۵ ش.

رپورت - شیخ علی دشتی متهم سیاسی عرضی و تقاضا نموده است:  
۱- اولاً به واسطه ابتلا به سوء هاضمه و غیره اجازه داده شود طبیب معالج (دکتر بالاین) از خارج بیاید و او را معالجه کند.  
۲- به واسطه نداشتن شخصی برای رسیدگی و تنظیم امورات خود اجازه داده شود یکی از کسان مشارالیه گاهی به ملاقات او بیاید.  
۳- اجازه داده شود عرضی برای تقدیم به خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس ملوکانه ارواحنا فداه عرض کند.  
عین عرضی او نیز تلو از لحاظ مبارک می گذرد.  
رئیس اداره محبس سرهنگ [راسخ]  
[مهر: نظمیه تهران - اداره محبس]

### سند شماره ۵

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، شعبه محبس مرکزی، مورخ ۱۳۱۴/۳/۷ ش.

مقام عالی ریاست محترم اداره محبس دام بقانه - محترم ما به عرض مبارک می رساند، شیخ علی خان دشتی محبوس نمره ۴۴۸ اظهار می دارد، موقعی که جناب آقای سهرابی مستنطق می خواسته از مشارالیه تحقیقات نماید به واسطه عارضه کسالت و عصبانیت نتوانسته تحقیقات بدهد و از آن مقام محترم استدعا دارد، امر و مقرر فرمایند، مراتب به اداره مربوطه اطلاع داده شود که مجدداً تحقیقات شود.  
[امضا]  
[مهر: محبس مرکزی]

[حاشیه]: به عرض رسید.

#### سند شماره ۶

**وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، مینوت اداره محبس - دفتر، نمره ۹۲، مورخ ۱۳۱۴/۳/۷، محرمانه.**  
راپورت - محترماً به عرض می‌رساند - مطابق راپورت محبس مرکزی - شیخ علی خان دشتی محبوس نمره ۴۴۸، اظهار داشته است، موقعی که سهرابی مستنطق می‌خواست از مشارالیه تحقیقات نماید به واسطه عارضه کسالت و عصبانیت نتوانسته تحقیقات بدهد مجدداً تقاضا نموده است امر و مقرر فرمایند برای تحقیقات مشارالیه اقدام نمایند.  
[امضا]  
[حاشیه]: سجل مقصرین.

#### سند شماره ۷

**وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، شعبه محبس مرکزی، مورخ ۱۳۱۴/۳/۱۱ ش.**  
مقام محترم ریاست اداره محبس دام بقائه - محترماً به عرض عالی می‌رساند، شیخ علی دشتی محبوس نمره ۴۴۸ تقاضا می‌نماید نظر به این که برای امرای معاش خانواده اش در خارج و مخارج خودش در محبس محتاج به وجه می‌باشد، در صورت اقتضای رای مبارک امر و مقرر فرمایند چک بانک مشارالیه را از اداره محترم تأمینات به شعبه مخزن محبس بفرستند تا در موقع لزوم از آن استفاده نماید. مراتب جهت استحضار خاطر مبارک عرض شد.  
[امضا]  
[حاشیه]: به اداره محترم تأمینات نوشته شود، در صورتی که چک در آنجا است ارسال دارید.

#### سند شماره ۸

**وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، دایره صحیه، شماره ۱۰۸۶، مورخ ۱۳۱۴/۳/۱۲ ش.**  
اداره محترم محبس مرکزی - طبق راپورت نمره ۱۱-۱۴۳/۶۳ شیخ علی دشتی متوقف در کوریدور ۲ که از سابق مبتلا به سقوط معده و سوء هاضمه بوده است، در سه روز قبل مبتلا به ذوسنطاریا و در نتیجه فوق العاده ضعیف شده است. مشارالیه تحت مراقبت و معالجه می‌باشد، متمنی است در صورت اقتضا معاینات مربوطه را نیز مستحضر فرمایند.  
از طرف رئیس صحیه نظمیه [امضا]  
[حاشیه]: به عرض می‌رسد.

#### سند شماره ۹

**وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، اداره محبس، دایره دفتر، نمره ۲۸۸۸، به تاریخ ۱۳۱۴/۳/۱۳ ش.، محرمانه مستقیم.**  
راپورت - طبق راپورت نمره (۱۰۸۶) دایره صحیه محترماً به عرض می‌رساند شیخ علی دشتی، متهم سیاسی که از سابق مبتلا به سقوط معده و سوء هاضمه بوده، در سه روز قبل مبتلا به ذوسنطاریا و در نتیجه فوق العاده ضعیف شده است. محض استحضار خاطر مبارک معروف گردید.  
رئیس اداره محبس سرهنگ [امضا]  
[حاشیه]: حضوراً معالجه شود.  
- برای صحیه نوشته شود.

### سند شماره ۱۰

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، اداره محبس، دایره دفتر، مورخ ۱۳۱۴/۳/۱۵ ش.، محرمانه.  
رپورت - یک طغرا پاکت سفارشی نمرة ۳۶۵ به وسیله پست از طرف سکینه و بلقیس و کربلایی علی اکبر شمسعلی به عنوان دشتی متهم سیاسی رسیده است، به ضمیمه یک طغرا پاکت جوف آن که به عنوان وزارت جلیله جنگ است، تلو آاز لحاظ مبارک می گذرد.  
رئیس اداره محبس سرهنگ [امضا]

### سند شماره ۱۱

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، نمرة ۱۲۴۰، به تاریخ ۱۳۱۴/۳/۱۹ ش.، فوری است.  
اداره محترم محبس مرکزی - حسب الامر تلفونی امروز سه ربع بعد از ظهر دشتی را در مریضخانه نجمیه با مشاوره آقایان دکتر تیومن و دکتر بالایان و دکتر معاون و دکتر تاجبخش معاینه دقیق نموده و با رای ثابت اطبا مشاور مقرر شد که برای بدست آوردن تشخیص صحیح و قطعی خون و مدفوع و ادرار مشارالیه تجزیه شده، صورت تجزیه تا بعد از ظهر روز چهارشنبه به عمل خواهد آمد و از روز مزبور رپورت با هیئت مشاور تهیه و ارسال می شود.  
از طرف رئیس صحیه نظمیه [امضا]

### سند شماره ۱۲

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، رپورت، نمرة ۲۰۴، مورخه ۱۳۱۴/۳/۱۹ ش.، محرمانه.  
مقام محترم ریاست اداره تأمینات - با تقدیم یک طغرا پاکت پستی به عنوان دشتی محبوس سیاسی و یادداشت اداره محترم محبس معروض می دارد، سکینه نام و بلقیس مقیمین بندرعباس عربیه به شیخ علی دشتی نوشته اند که ایشان در استخلاص شوهرش مرسوم به علی اکبر که از طرف وزارت جلیله جنگ توقیف است، اقدام نماید با مراجعه به مکتوب مزبور در صورتی که تصویب نمایند، استردادش به مشارالیه مانعی نخواهد داشت.  
[امضا]  
[مهر] اداره تأمینات - شعبه اول  
[حاشیه]: عیناً به اداره محترم محبس ارسال شود.

### سند شماره ۱۳

مریضخانه نجمیه (Hospital Nadjmiah)، مورخه ۱۳۱۴/۳/۲۴ ش.  
مقام منبع ریاست محترم تشکیلات نظمیه کل مملکتی دامت شوکت - با کمال توقیر و احترام به عرض می رساند، پس از مشورت طبی که اینجانب با دکتر بالایان و دکتر تویمان و دو نفر از اطبا محترم نظمیه به عمل آورده ام اینک رپورت ملاحظات و معاینات طبی که درباره آقای دشتی به عمل آمده است با ورقه تعیین حرارت مشارالیه را از لحاظ مبارک می گذرانم و ضمناً تمنا دارد طبیب معالج مشارالیه را تعیین و به مریضخانه معرفی فرمایند.  
با احترامات فائقه دکتر معاون [امضا]  
[حاشیه]: به عرض می رسد.

### سند شماره ۱۴

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، اداره محبس، دایره دفتر  
موضوع: پنج ورقه صورت معاینه دشتی که از مریضخانه نجمیه ارسال شده،  
نمرة ۳۴۱۷، به تاریخ ۱۳۱۴/۳/۲۶ ش.  
رپورت - عین مراسله مریضخانه نجمیه و پنج ورقه صورت معاینه که از دشتی متهم سیاسی به عمل آمده تلو آاز لحاظ مبارک می گذرند تا نسبت به تقاضای مریضخانه مزبور راجع به طبیب معالج و غیره هر طور امر و مقرر فرمایند، اقدام شود.

رئیس اداره محبس سرهنگ [راسخ - امضا]  
[حاشیه]: به دایره صحنه نوشته شود.  
- حسب الامر اقدام شود.

### سند شماره ۱۵

اداره محبس - یک فقره قبض رسید رسمی تجارخانه زرتشتیان به مبلغ پنجاه و شش هزار و هشتاد و سه ریال و ده شاهی مورخه اول فروردین ۱۳۱۳ در ضمن اسناد و قبالات اینجانب بوده است که آن را نیافتیم و مختصر نگاه اجمالی که به سایر اوراق نمودم نتوانستم آن را پیدا کنم، برای اطلاع عرض شد.  
۱۳۳۲۷/۱۴۳ [امضا] علی دشتی

### سند شماره ۱۶

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، مینوت، اداره محبس - دفتر، نمره ۲۹ - ۱۳۱۴/۳/۳۵۹۶ ش.  
دایره محترم صحیه - با ارسال سواد مراسله مریضخانه نجمیه و صورت معاینه که از دشتی متهم سیاسی به عمل آورده اند، حسب الامر لازم است، طبق مقررات اداری نسبت به معالجه مشارالیه اقدام لازم به عمل آورده، نتیجه را اعلام دارند.  
[امضا]

### سند شماره ۱۷

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، تاریخ ۱۳۱۴/۳/۳۰ ش.

نمره ۳۰-۱۳۳۲۱۱/۱۴۳

راپورت - محترماً به عرض می رساند، حسب الامر مبارک ساعت ۷:۵۵ صبح چهارشنبه شیخ علی دشتی محبوس را جهت معالجه به مریضخانه نجمیه برده و قرار شد تحت نظر و مراقبت مأمورین اداره محترم تأمینات در آنجا معالجه نماید. اینک مراتب را برای استحضار خاطر مبارک معروض می دارد.  
رئیس اداره محبس - پیر نهاد

### سند شماره ۱۸

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، یادداشت ۱۴۵۵، دایره صحیه، مورخ ۱ تیر ۱۳۱۴ ش.

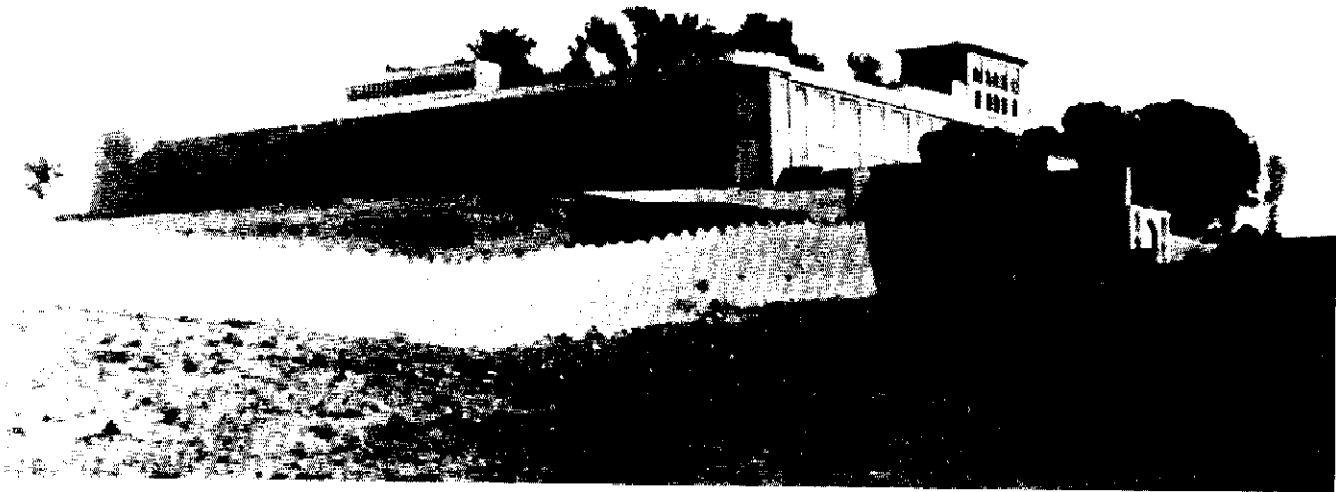
اداره محترم محبس - عطف به نمره ۲۵۹۶ متضمن شش ورقه مربوط به کسالت دشتی متهم سیاسی متوقف در مریضخانه نجمیه زحمت افزای گردد و امروز در ساعت ۹ صبح شخصاً از مشارالیه در مریضخانه فوق الذکر عیادت و با موافقت دشتی و اینجانب قرار شد فعلاً در مریضخانه تحت معالجه و دستورات دکتر بالایان طبیب سابق مشارالیه قرار داده شود.  
از طرف رئیس صحیه نظمیه  
[حاشیه]: ضبط.

### سند شماره ۱۹

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، اداره تأمینات، نمره ۱۷۵۶، به تاریخ ۱۳۱۴/۴/۳ ش.

عطف به مراسله نمره ۳۱-۱۳۱۴/۳/۳۶۱۳ ش. راجع به نوشتجات شیخ علی دشتی اشعار می دارد طبق راپورت شعبه اول نوشتجاتی که مأمورین از منزلش بدست آورده اند تماماً با حضور پرویز خان برادر مشارالیه رسیدگی نموده و آنچه مورد لزوم بود، ظهر آن را به امضا و به





دوسیه ضمیمه گردید. بقیه هم تماماً مهور و لاک شده توسط اداره محترم به خود او تسلیم شده است. چنین قبضی که مشارالیه مدعی گردیده جز و نوشتجات او مشاهده نگردیده، ممکن است به پرویز خان مراجعه نماید تا ضمن نوشتجات دیگر او جستجو و بدست آورد.  
کفیل اداره تأمینات - سمیع [امضا]  
[حاشیه]: محبس مرکزی به وسیله تلفون به مریضخانه نجمیه اطلاع دهید.  
- اطلاع داده شد.  
- در دوسیه مربوطه ضبط شود.

#### سند شماره ۲۰

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، مینوت اداره محبس، دفتر، نمره ۱۵۸، مورخه ۱۳۱۴/۴/۱۹ ش.، محرمانه، مستقیم.

دایره محترمه صحیه - چون شیخ علی دشتی حسب الامراز تاریخ ۱۴۳۲/۲۰ برای معالجه به مریضخانه نجمیه منتقل و در آنجا تحت معالجه قرار گرفته، مقتضی است شخصاً مشارالیه را در مریضخانه مزبور معاینه نموده، نتیجه را به این اداره اعلام دارید.  
[امضا]

[حاشیه]: محبوس نمره ۴۴۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

#### سند شماره ۲۱

۱۳۱۴/۴/۲۴ ش.

یک بسته اوراق مهور شده (بزرگ) و چهار پاکت لاک شده توسط شعبه توفیگاه محبس به وسیله آقای علی خان وکیل سه به اینجانب رسید.

[امضای علی دشتی]

[حاشیه]: ۱۳۱۴/۴/۲۴ ش.

در حضور اینجانب حاج محمد علی فقیری عضو شعبه اول تأمینات یک بسته بزرگ کاغذجات لاک شده و ۴ طغرا پاکت که کاغذجات لاک شده به آقای دشتی تحویل داده شد.

[امضا]

سند شماره ۲۲

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، نمره ۱۶۳، تاریخ ۱۳۱۴/۴/۲۲، محرمانه.

راپورت - در تعقیب راپورت معروضه نمره ۲۰-۱۴/۳/۲۱۱-راجع به شیخ علی دشتی که حسب الامر در مریضخانه نجمیه تحت معالجه قرار داده شده، محترماً به عرض می رساند مطابق راپورت نمره ۲۲-۱۴/۴/۱۸۸۴ دایره صحیه شخصاً رئیس صحیه مشارالیه را در مریضخانه مزبور معاینه نموده، حالتش نسبت به سابق بهتر است ولی فوق العاده از سوء هضم و بی غذایی شکمی و بالنتیجه نهایت ضعیف و لاغر گشته، محض استحضار خاطر مبارک معروض گردید.

[امضا]

[حاشیه]؛ سجل مقصرین.

-نمره ۴۴۷

سند شماره ۲۳

ش. ۱۳۱۴/۵/۱۸

یک زنجیر و دو کلید و کیف بغل و قلم خودنویس و مداد و محتویات کیف توسط آقای رئیس توفیگاه به اینجانب رسید.  
[امضای شیخ علی دشتی]

سند شماره ۲۴

وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیه مملکتی، اداره محبس، شعبه توفیگاه

موضوع: اشیاء دشتی در مقابل رسید مسترد گردید، نمره ۹۰۱، مورخه ۱۳۱۴/۵/۱۹ ش.  
ریاست اداره محبس - محترماً به عرض می رساند با ارسال مرقومه نمره ۵۲۹۲ دفتر مجلس یک رشته زنجیر طلا و دو عدد کلید، یک مداد و یک قلم خودنویس با کیف بغلی محتوی مقداری کاغذجات در مقابل رسید، تحویل دشتی گردید، عین رسید تلوأ تقدیم، مراتب راپورتاً معروض داشت.

[امضا]

[مهر]؛ اداره محبس - شعبه توفیگاه

[حاشیه]؛ در دوسیه دشتی ضبط شود.

سند شماره ۲۵

وزارت داخله، اداره کل نظمیه، اداره نظمیه، دایره دفتر، نمره ۲۳۴، به تاریخ ۱۳۱۴/۶/۳ ش.، فوری، محرمانه، مستقیم.

راپورت - حسب الامر برای معاینه علی دشتی در مریضخانه نجمیه شرحی به دایره صحیه نوشته شده، اینک سواد راپورت جوابیه نمره (۲۶۶۴) دایره مزبور را تلوأ تقدیم و از لحاظ مبارک می گذرد.

رئیس اداره محبس سرهنگ راسخ [امضا]

[حاشیه]؛ اداره محبس.

سند شماره ۲۶

وزارت داخله، اداره کل نظمیه، دایره صحیه، نمره ۲۵۵۵، به تاریخ ۱۳۱۴/۶/۶ ش.، محرمانه.

اداره محبس - عطف به نمره ۲۳۵ راجع به کسالت علی دشتی اشعار می دارد؛ چون مشارالیه مبتلا به علت امراض اعصاب است نقل به محبس مرکزی یا مرخصخانه محبس برای تشدید مرض حکم واحد را دارد، در معاینه که بعداً به عمل خواهد آمد، چنانچه محتاج بدانند، اقدام به یکا کنترل سیونوی خواهند نمود.  
رئیس صحیه نظمیہ

#### سند شماره ۲۷

**وزارت داخله، اداره کل شهربانی، دایره صحیه، نمره ۲۹۴۰، به تاریخ ۱۳۱۴/۶/۱۸ ش.، محرمانه.**  
اداره زندان - عطف به نمره ۲۳۹ اشعار می دارد، یک ورقه صورت معاینه و مشاوره طبی راجع به علی دشتی در مرخصخانه نجمیه که با مداخله اینجانپ و حضور دکتر بالایان و دکتر معاون به عمل آمده تلو ارسال، و از مفاد مشروح و مربوط به مشاوره طبی چنین مستفاد می شود که نسبت به سابق تا اندازه حال مریض بهتر، کم خونی به شدت سابق نیست ولی التهاب مزاجه کماکان باقی است، و به طور کلی چیزی که جالب توجه است فعلاً موضوع ضعف اعصاب است که مستلزم تغذیه و تهویه و بالاخره ادامه معالجه به طوری که تاکنون تعقیب گشته نباشد.  
رئیس صحیه نظمیہ [امضا]  
دکتر محمود ثقفی

#### سند شماره ۲۸

**وزارت داخله، تشکیلات کل نظمیہ مملکتی، سواد مراسله صحیه شهربانی، نمره ۲۹۴۰، مورخه ۱۳۱۴/۶/۱۸ ش.، محرمانه**

اداره زندان - عطف به نمره ۲۳۹ اشعار می دارد یک ورقه صورت معاینه و مشاوره طبی راجع به علی دشتی در مرخصخانه نجمیه که با مداخله اینجانپ و حضور دکتر بالایان و دکتر معاون به عمل آمده، تلو ارسال و از مفاد مشروح و مربوط به مشاوره طبی چنین مستفاد می شود که نسبت به سابق تا اندازه حال مریض بهتر، کم خونی به شدت سابق نیست ولی التهاب مزاجه ۳۰ کماکان باقی است و به طور کلی چیزی که جالب توجه است فعلاً موضوع ضعف اعصاب است که مستلزم تغذیه و تهویه و بالاخره ادامه معالجه به طوری که تاکنون تعقیب گشته می باشد.

رئیس صحیه شهربانی  
دکتر محمود ثقفی  
سواد مطابق با اصل است. اصغر

#### سند شماره ۲۹

**وزارت داخله، اداره کل شهربانی، اداره آگاهی، نمره ۶۸۶، به تاریخ ۱۳۱۴/۶/۲۹ ش.،**

محرمانه است.

اداره زندان - عطف به مراسله نمره (۲۷۱) راجع به جلوگیری از مکاتبه و مرافقه علی دشتی در مرخصخانه نجمیه با اشخاص خارج و مراقبت کامل مشارالیه چون با یک نفر مأمور انجام این دستور غیر مقدور است، قدغن فرمایید یک نفر مأمور دیگری از آن اداره به مرخصخانه اعزام دارند که متفقاً مراقبت نمایند.

کفیل اداره آگاهی - آقا رضاخان سمیعی [امضا]

#### سند شماره ۳۰

**وزارت داخله، تشکیلات نظمیہ کل مملکتی، مینوت، اداره زندان - دفتر، نمره ۳۱ - ۱۳۱۴/۶/۱۰۴ ش.**  
اداره آگاهی - عطف به مراسله نمره ۲۹ - ۱۳۱۴/۶/۶۸۶ راجع به تقاضای یک نفر مأمور برای مراقبت علی دشتی چون حسب الامر بایستی در

مریضخانه خارج با مأمور بدون فرم برای مراقبت او گمارده شود، ممکن است به اداره سرکلانتری مراجعه نمایید.  
[امضا]

### سند شماره ۳۱

#### مریضخانه نجمیه، تاریخ ۱۳۱۴/۷/۷ ش.

راپورت ریاست شعبه اول آگاهی - به طوری که دشتی اظهار می نماید مشارالیه از کسالت بهبودی حاصل نموده و تقاضا دارد به واسطه مخارج گراف که از قرار روزی ۶۰ ریال به مریضخانه می پردازد، به این لحاظ تغییر مکان به منزل خود با مأمور می نماید، منوط به امر مبارک است.

[امضا]

[حاشیه]: از لحاظ مبارک ریاست بگذرد.

[امضا]

### سند شماره ۳۲

#### وزارت داخله، اداره کل شهربانی، اداره زندان، دایره دفتر، نمره ۷۴۸۳، به تاریخ ۱۳۱۴/۷/۹ ش.

راپورت - محترمأ به عرض می رساند، علی دشتی که در مریضخانه نجمیه تحت معالجه می باشد، تقاضا نموده است چون از کسالت بهبودی حاصل نموده، به واسطه مخارج گراف مریضخانه (روزی ۶۰ ریال) اجازه داده شود با مأمور به منزلش انتقال یابد. مراتب راپورتاً معروض منوط به امر مبارک است.

رئیس اداره زندان - سرهنگ راسخ [امضا]

### سند شماره ۳۳

#### وزارت داخله، اداره کل شهربانی، نمره ۳۵۴، تاریخ ۱۳۱۴/۹/۵ ش.

راپورت - محترمأ به عرض می رساند، حسب الامر در ساعت ۴/۳۰ عصر روز ۱۴/۹/۴ شیخ علی دشتی از مریضخانه نجمیه به منزلش منتقل و امریه مبارک را به موقع اجرا کرده و به اداره آگاهی و اداره سرکلانتری نیز ابلاغ گردید، محض استحضار خاطر مبارک به عرض رسید.

[امضا]

[حاشیه]: نام و نشان.

- زندانی نمره ۴۴۸.

### سند شماره ۳۴

#### وزارت داخله، اداره کل شهربانی، نمره ۳۵۴، تاریخ ۱۳۱۴/۹/۵ ش.، محرمانه.

اداره آگاهی - حسب الامر شیخ علی دشتی از مریضخانه نجمیه در ساعت ۴/۲۰ عصر به منزلش منتقل گردید، قدغن فرمایید، کمافی السابق مأمورین اداره کاملاً مراقبت نمایند که با خارج مکانته و ملاقات ننمایند، مخصوصاً یک نفر از طرف آن اداره و یک نفر هم از اداره سرکلانتری مأمور و باید عملیات او را تحت نظر قرار دهند.

[امضا]

محرمانه است.

اداره زندان - عطف به مراسله نمره ۳۵۴ حسب الامر مقام عالی شیخ علی دشتی تحت نظر و مراقبت مأمورین شعبه اطلاعات اداره سرکلانتری قرار داده شده و در آتیه راجع به این قسمت قدغن فرمایند به شعبه مزبور مراجعه نمایند.

کفیل اداره آگاهی - سمیعی [امضا]

[حاشیه]: در دفتر نمره ۳۵۴ سواد به اداره سرکلانتری فرستاده شود.

- زندانی نمره ۴۴۸.

## پی نوشتها :

- ۱- کتاب ایام محبس به ترتیب در طی سالهای متمادی چند بار به چاپ رسیده است: علی دشتی. تهران، ۱۳۰۱ ش.، سری، رقی، ۱۹۶ صفحه.
- علی دشتی. تهران، ۱۳۰۳ ش.، سری، رقی، ۲۰۰ صفحه.
- علی دشتی. تهران، ۱۳۱۲ ش.، سری، جیبی، چاپ دوم، ۲۷۵ صفحه.
- علی دشتی. تهران، بی تاریخ، سری، رقی، چاپ سوم، بنگاه صفی علیشاه، ۲۷۶ صفحه.
- علی دشتی. تهران، ۱۳۲۷ ش.، سری، رقی، چاپ چهارم، ۲۷۸ صفحه.
- علی دشتی. تهران، ۱۳۲۹ ش.، سری، رقی، چاپ پنجم، انتشارات ابن سینا، ۲۹۴ صفحه.
- خانابا مشایخ، فهرست کتابهای چاپی فارسی، ج اول، تهران، ناشر مؤلف، ۱۳۵۰، ص ۶۱۲.
- ۲- علی دشتی، ایام محبس، با مقدمه مشفق همدانی، تهران، بنگاه صفی علیشاه، ۱۳۲۷ ش، چاپ چهارم، مقدمه کتاب.
- ۳- کتاب فتنه (مجموعه یازده داستان) شامل: فتنه، ماجرای آنشب، دو نامه، دفتر ششم، مرگ مادر، آخرین ملجأ سکوت و نگاه تو، اعصاب مریض، آخرین نامه، چشمان او، نامه یک زن، می باشد. این کتاب تا سال ۱۳۵۰ ش. هفت بار تجدید چاپ شده است.
- خانابا مشایخ، همان، ج اول، ص ۳۶۵.
- ۴- علی دشتی، همان، مقدمه کتاب.
- ۵- امیر سرلشکر محمد حسین آبرم رئیس نظمی که از جندی پیش بیمار و در منزل بستری بود، اجازه یافت برای معالجه به اروپا عزیمت کند. آبرم در ۲۹ آبان ماه ۱۳۱۴ ش. از طریق بندر انزلی از راه شوروی به آلمان رفت و از ترس رضاشاه دیگر به ایران بازنگشت. چون اصرار و پافشاری رضاشاه برای بازگشت سرلشکر آبرم نتیجه نداد، لذا کنالدین مختار با ارتقا درجه به سپاسی (سر نیی) در اول فروردین ۱۳۱۵ ش. به ریاست شهربانی کل کشور منصوب شد. باقر عاقلی، روزنامه تاریخ ایران (از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ج اول، تهران، نشر گفتار، ۱۳۶۹، ص ۲۰۷، ۲۱۱.
- ۶- علامت حسین مصباح، دیسه های علی دشتی، [تهران]، این نا، ۱۳۲۴، ص ۳۰-۳۱.
- ۷- علی دشتی، همان، ص ۱۸۱.
- ۸- مهدیقلی هدایت (مخبر السلطنه) خاطرات و خطرات، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۷۵، چاپ پنجم، ص ۴۱۱.
- ۹- باقر عاقلی، ذکاء الملک، فروغی و شهریور ۲۹ ش.، تهران: انتشارات سخن، انتشارات علمی، ۱۳۶۷، صص ۱۷۴-۱۷۵.
- ۱۰- حسن مرسلوند، زندگینامه رجال و مشاهیر ایران (۱۳۲۰-۱۲۹۹ ش) ج سوم، تهران، انتشارات الهام، ۱۳۷۳، ص ۲۲۱.
- ۱۱- در ۲۲ فروردین ۱۳۱۴ ش. دستگیر شد.
- ۱۲- ابراهیم صفایی، چهل خاطره از چهل سال، [مقاله] شمس یاد دشتی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۳، ص ۲۲۱.
- ۱۳- علی بهزادی، شبه خاطرات، ج اول، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۷۶، چاپ سوم، ص ۲۲۶.
- ۱۴- ابراهیم خواجه نوری، بازیگران عصر طلایی، تهران، انتشارات کتابهای جیبی، ۱۳۳۱، چاپ دوم، ص ۱۷۹.
- ۱۵- باقر عاقلی، همان، ص ۱۷۵.
- ۱۶- عبدالله شهبازی، زندگی و زمانه علی دشتی. فصلنامه مطالعات تاریخی، سال اول، شماره دوم، بهار ۱۳۸۳ ش.، صص ۲۲-۳۳ (به نقل از: مذاکرات مجلس، دوره سیزدهم، جلسه ۱۰۸، پنجشنبه ۲۱ آبان ماه ۱۳۲۱ ش.، ص ۴۹).
- ۱۷- مهدیقلی هدایت رئیس الوزرا وقت بود.



۲۰



وزارت معارف

تشکلات کل نظیہ سلکتی

۲۵

سواد مہدیہ تعلیمات مورخہ ۲۲ / ۱ / ۱۲۱۲ نمبر ۵۵

دورہ جمعہ کبیر  
 عبدالرحمن فرج بہ خان بہرام - ذریعہ الامارت خان بہرام -  
 دینار رضا خان گدڑ - داتا میرزا علی دہلوی تہن سید  
 جلال خانہ توقف دیا گدڑ و قدر حق مدقات پیغام -  
 جمالیع نازد آدستور آ نور دلم شو کبیر رضا و نا کبیر -  
 کبیر

۴۵۵  
 صدر مہدیہ تعلیمات کولہ ہجرت  
 فیضان

شاہد سلطان صاحب  
 مدرسہ علوم انسانی

محکم  
اداریہ  
زینت علیہ السلام  
۲۳۷/۵  
۱۳۱۴

تقدیرت کی تعلیمات کے لئے

۱۔ یہ کتاب اللہ تعالیٰ کی طرف سے آئی ہے۔ اس میں اللہ تعالیٰ کی تعریف ہے اور اس کی حمد ہے۔ اس میں اللہ تعالیٰ کی صفات ہیں اور اس کی صفات کی تعریف ہے۔ اس میں اللہ تعالیٰ کی صفات کی تعریف ہے اور اس کی صفات کی تعریف ہے۔ اس میں اللہ تعالیٰ کی صفات کی تعریف ہے اور اس کی صفات کی تعریف ہے۔

۲۔ یہ کتاب اللہ تعالیٰ کی طرف سے آئی ہے۔ اس میں اللہ تعالیٰ کی تعریف ہے اور اس کی حمد ہے۔ اس میں اللہ تعالیٰ کی صفات ہیں اور اس کی صفات کی تعریف ہے۔ اس میں اللہ تعالیٰ کی صفات کی تعریف ہے اور اس کی صفات کی تعریف ہے۔ اس میں اللہ تعالیٰ کی صفات کی تعریف ہے اور اس کی صفات کی تعریف ہے۔

۳۔ یہ کتاب اللہ تعالیٰ کی طرف سے آئی ہے۔ اس میں اللہ تعالیٰ کی تعریف ہے اور اس کی حمد ہے۔ اس میں اللہ تعالیٰ کی صفات ہیں اور اس کی صفات کی تعریف ہے۔ اس میں اللہ تعالیٰ کی صفات کی تعریف ہے اور اس کی صفات کی تعریف ہے۔ اس میں اللہ تعالیٰ کی صفات کی تعریف ہے اور اس کی صفات کی تعریف ہے۔

تقدیرت کی تعلیمات کے لئے